گفت و گوی شهرآرا با دکتر اشرف بروجردی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

پاسداشت میراث فرهنگی اسلام و ایران؛ فراتر از ۸۰ سال

امید حسینی‌نژاد

میراث مکتوب، حافظه جهانی جمعی و مستند مردم جهان است که سهم بزرگی از میراث فرهنگی جهان را نمایش می‌دهد و تکامل تفکر و کشف و دستیابی جامعه بشری را ترسیم می‌کند. حافظه جهانی میراثی از گذشته برای جوامع انسانی کنونی و آینده است. بسیاری از حافظه‌های جهانی در کتابخانه‌ها، آرشیوها، موزه‌ها و محل‌های نگهداری در سراسر جهان قرار دارند و بسیاری از آن‌ها هم اکنون در معرض خطر هستند. بسیاری از میراث مکتوب به دلیل جابه‌جایی تصادفی یا عمدی آرشیوها و مجموعه‌ها، شرایط جنگی یا دیگر شرایط تاریخی پراکنده شده‌اند. گاهی اوقات موانع عملی و سیاسی مانع از دسترسی شده است، در حالی که در موارد دیگر زوال یا تخریب تهدید محسوب می‌شود. حافظه جهانی، میراث مکتوب بشریت را در برمی‌گیرد. مفهوم «سند» یک مفهوم جهانی است، اما می‌توان بر این موضوع تأکید کرد که برخی فرهنگ‌ها «سندگرا» هستند، بنابراین همه فرهنگ‌ها نمی‌توانند به طور مساوی از طریق میراث مکتوب و همچنین حافظه جهانی مطرح شوند. کتابخانه ملی ایران به عنوان نهادی محوری در این باره جایگاه مهمی دارد. طرح‌های توسعه‌ای و بنیادی برای حفظ و صیانت از این میراث در این کتابخانه اجرایی شده است. برای آشنایی هرچه بهتر با وضعیت کتابخانه ملی و گام‌هایی که در مسیر حفاظت از نسخه‌های خطی و اسناد مکتوب برداشته است، گفت‌وگویی با دکتر اشرف بروجردی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، انجام داده‌ایم که در آن به این مسئله از منظر گوناگون پرداخته شده است.

اسناد مکتوب برای هر کشوری هویت‌ساز است. کتابخانه ملی به عنوان یکی از نهادهای مهم فرهنگی کشور چه طرح کلانی برای حفظ و پژوهش‌های اسنادی بنیادی دارد؟

با وجود تأثیر نقش اسناد در توسعه کشور و تدوین سیاست‌های راهبردی، جایگاه اسناد در نهادهای علمی و سیاست‌گذاری ناشناخته باقی مانده بود. در سال‌های اخیر و در دولت دوازدهم، با تلاش صاحب‌نظران برای ترسیم این نقش به‌ویژه در میان اصحاب دانش، اقدامات شایانی انجام شده است که مهم‌ترین آن راه‌اندازی شبکه اسنادی کشور است. به این معنی که تمامی مراکز و پایگاه‌های علمی و اجرایی تولیدکننده سند از طریق سامانه الکترونیک به یکدیگر متصل شده‌اند که برای قانونمند کردن این مهم طرحی تقدیم شورای عالی انقلاب فرهنگی شده است که امیدواریم با تصویب هرچه سریع‌تر آن این امر قانونمند شود.

اقدام دیگری که در این دوره در حوزه اسناد به وجود آمده است، کوتاه کردن زمان دسترسی به اسناد از ۲ ماه به ۲ روز است که می‌تواند محققان و پژوهشگران را یاری رساند باشد. همچنین سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در این راستا مرکز پژوهشی‌ای تحت عنوان پژوهشکده اسناد دارد که یکی از وظایف اصلی آن پرداختن به این موضوع‌هاست. در این راستا اولویت‌های پژوهشی سازمان در حوزه‌های مختلف از جمله سندپژوهی در دوره‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت تعیین شده که از سوی اعضای هیئت علمی و پژوهشگران خبره سازمان در حال انجام است. همچنین سازمان سه نشریه تخصصی در حوزه آرشیو، اسناد و یک نشریه تخصصی در حوزه اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی دارد که در این نشریات به تناسب، موضوع‌های آرشیوی و اسنادی معرفی می‌شود. فصلنامه «گنجینه» اسناد دارای رتبه علمی - پژوهشی و دیگر فصلنامه‌ها دارای گرید تخصصی هستند که از سال گذشته اقدامات اساسی برای ارتقای رتبه آن هانیز در دست انجام است. اکنون نزدیک به ۴۰ اثر در حوزه سندپژوهی و آرشیو در نوبت چاپ در انتشارات سازمان است که امیدواریم با ارائه آن‌ها به بازار نشر دریچه‌های نوینی به علوم آرشیوی در ایران باز شود. افزون بر این‌ها مذاکره با مراکز اسنادی کشور و انتقال اسناد آن‌ها به سازمان می‌تواند در توسعه بهره‌مندی از اسناد مفید و مؤثر باشد.

مسئله حفظ اسناد در درجه اهمیت بالایی است. اسناد مکتوب و نسخه‌های خطی ارزشمندی در کتابخانه ملی وجود دارد. گام‌های این کتابخانه برای حفظ هرچه بیشتر این اسناد و نسخه‌های ارزشمند در طول این سال‌ها چه بوده است؟ تا چه اندازه روش‌های مدرن حفظ اسناد از سوی کتابخانه ملی اجرایی می‌شود؟

کتابخانه ملی ایران در سال‌های اخیر با خریداری نسخه‌های نفیس از مجموعه‌داران و افراد و اشخاص و همچنین از طریق اهدا به جمع‌آوری نسخ خطی اقدام کرده، ضمن آن که با کادر تخصصی فهرست‌نویسی نسخ خطی به شناسایی و معرفی نسخ خطی و نفیس و همچنین چاپ فهرست‌های مختلف اقدام کرده است. بیش از ۹۰ درصد از نسخ خطی سازمان اسکن شده و نسخه دیجیتال دارند که تعداد زیادی هم اکنون از طریق پرتال سازمان در دسترس محققان و اندیشمندان است. کتابخانه ملی به عنوان نهاد بالادستی در حفظ و نگهداری نسخ خطی به خدمات مشاوره‌ای برای حفظ و نگهداری و تهیه نسخه پشتیبان از این میراث ارزشمند ایرانی اسلامی اقدام کرده است. در حوزه شناسایی و سازمان‌دهی میراث مکتوب اقدام کتابخانه ملی ایران از اقدامی کشوری به اقدامی منطقه‌ای تبدیل شده و در حال کمک به تکمیل فهرست میراث مکتوب عراق و کشورهای اسلامی و جهان اسلام و انتشار آن است. از جمله مهم‌ترین اقدامات انجام شده، استانداردسازی، فهرست‌نویسی و دیجیتال‌سازی منابع سندی است که به حفظ اسناد کمک می‌کند تا جایی که کتابخانه ملی ایران یکی از کتابخانه‌های مدرن دنیا محسوب می‌شود. بهره‌مندی از نیروهای متخصص، ترمیم اسناد آسیب دیده، انتقال دانش حفظ اسناد به سطح جامعه از طریق دوره‌های آموزشی و انتشار اطلاعات از دیگر گام‌های مؤثر در حفظ اسناد است.

> از مهم‌ترین اقدامات انجام شده؛ استانداردسازی، فهرست‌نویسی و دیجیتال‌سازی منابع سندی است که به حفظ اسناد کمک می‌کند تا جایی که کتابخانه ملی ایران یکی از کتابخانه‌های مدرن دنیا محسوب می‌شود

پژوهشگران برای انجام تحقیقات خود، نیاز اساسی به اسناد مکتوب دارند. آیا به دغدغه پژوهشگران برای دسترسی آسان به اسناد مورد نیاز توجه می‌شود؟ این کتابخانه چه ساز و کاری برای تسهیل در این مسیر دارد؟

خوب است بدانید در ابتدای حضور من در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سرعت ارائه خدمات آرشیوی حدود ۶۱ روز بود و این آمار برای پژوهشگران تعجب‌برانگیز بود. ما با برنامه راهبردی‌ای که در این باره داشتیم سعی کردیم که به لحاظ کمی و کیفی این وضعیت را بهبود بخشیم و دسترسی پژوهشگران را به این منابع آسان کنیم. با رصد و پیگیری‌های مداوم در چندین سطح، ما موفق شدیم ۶۱ را به کمتر از ۲ روز کاهش دهیم و به زودی در میانه سال جاری، سرعت ارائه خدمت در این بخش و به طور کلی همه بخش‌های خدمت‌رسان سازمان به کمتر از یک ساعت خواهد رسید. یعنی پژوهشگران امسال با مراجعه حضوری به تالارهای جست‌وجو قادر خواهند بود در همان لحظه حضور، اسناد و منابع خود را دریافت کنند. از دیگر اقدامات انجام شده؛ حرکت به سمت دیجیتال کردن منابع سندی است که در دوره ۵۰ ساله عمر مرکز اسناد تنها ۵ درصد از اسناد دیجیتال شده‌اند که امروز به حدود ۱۰ درصد رسیده است و امیدواریم در آینده بتوانیم تمامی منابع سندی موجود را دیجیتال کرده و از طریق سامانه‌ها دسترسی به آن‌ها را آسان کنیم.

آشنایی هرچه بیشتر مردم با هویت کشورشان تأثیر بسزایی در غرور ملی ایرانی دارد. کتابخانه ملی برای آگاه‌سازی مردم غیرمتخصص در مسیر شناخت اسناد مهم مکتوب چه گام‌هایی برداشته است؟

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در اصل حافظه فرهنگی ایران است و هر اقدام هویت‌بخش و هر برنامه‌ای در این باره به منابع تاریخی منسجمی نیازمند است که رسالت سازمان در واقع در حفظ این اسناد و منابع هویتی است. شناخت اسناد گرچه برای مردم دارای اهمیت است، ولی بیشتر کار پژوهشگران حوزه تاریخ و دیگر رشته‌های علوم انسانی است. یعنی این کارشناسان هستند که این اسناد را به افکار عمومی معرفی می‌کنند. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران باید خانه امنی برای این قبیل پژوهشگران باشد تا آن‌ها بتوانند واسط و رابط مناسبی در این باره باشند و در اصل این وظیفه خطیر ما در این باره است که برای توسعه شناخت و آگاهی بخشی به مدد رسانه‌ها و پایگاه‌های خبری و سامانه‌ها به طور مکرر اطلاع‌رسانی می‌شود. آنچه می‌تواند برای مردم جذاب باشد؛ تورّق تاریخ و بازخوانی وقایع و رویدادهاست که از طریق پایگاه خبری سازمان مرتب به نمایش گذاشته می‌شود. قدردانی از سندپژوهان و تعامل بین دستگاهی در به اشتراک گذاردن اسناد در اختیار، برپایی نمایشگاه‌هایی از اسناد موجود می‌تواند فهم مناسب از اهمیت سند را به سطح جامعه انتقال داده و مردم را نسبت به تاریخ گذشته خود آشنا کند.

اکنون بسیاری از کتابخانه‌های معتبر دنیا نظیر برلین، لیدن، کنگره آمریکا و... اسناد خود را دیجیتال‌سازی کرده و در سایت‌های خود در اختیار علاقه‌مندان قرار داده‌اند. ارتباط کتابخانه ملی با کتابخانه‌های معتبر دنیا تا چه اندازه است؟ آیا تبادل تجربیات در این حوزه انجام شده است؟

اسناد کتابخانه ملی طبقه‌بندی شده هستند. به این معنی که برخی از آن‌ها در دسترس برای همگان، برخی تنها برای محققان و مدیران و برخی محرمانه و غیرقابل دسترسی هستند که منظور از در اختیار همگان قرار دادن اسنادآن‌هایی است که در طبقه اول یعنی در دسترس برای عموم، به صورت نمایش در معرض رؤیت همگان قرار دارد و این قاعده در همه دنیا ساری و جاری است.

اما اسناد طبقه دوم یا نیمه محرمانه پس از گذشت یک دوره زمانی در دسترس خواهند بود که این به تشخیص شورای اسناد ملّی است و معمولاً گذر ۴۰ ساله امکان دسترسی به آن‌ها را فراهم می‌کند.

اما ارتباط با دیگر کتابخانه‌های مشهور دنیا، افزون بر عضویت در مجمع بین‌المللی «ایکا» برای اسناد و «ایفلا» برای کتاب که تبادل تجارب در آن انجام می‌شود. کشور ما با کتابخانه‌های دیگر به تبادل کتاب و سند به طور مستمر اقدام می‌کند، البته اسناد دیجیتال است، اما منابع کتابی فیزیکی است، بنابراین نظر به شرایط خاص ایران در حفظ و نگهداری و مرمت و اشاعه اطلاعات نسخ خطی و میراث اسلامی، ارتباطات بین کتابخانه‌ای از اهمیت بسیاری برخوردار است، اما کتابخانه ایران به عنوان دومین مجموعه بزرگ نسخه‌های خطی کشور و با سابقه بیش از ۸۰ سال در حفاظت و نگهداری از میراث ایران و اسلام دارای تجربیات بسیار گران‌بهایی است که کتابخانه‌ها و موزه‌های غربی نیز برای افزایش دانش و مهارت ناچار به ارتباط با آن هستند. هرچند به دلیل شرایط خاص سیاسی امکان ارتباط جدی با کتابخانه و موزه‌های آمریکا در سال‌های اخیر کمرنگ شده است، اما از دانش و تجربیات همدیگر به ویژه در حوزه رده‌بندی و فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپی بیشتر استفاده می‌شود و امروز بیشتر از طریق پرتال‌ها و صفحات مجازی کتابخانه‌ها و موزه‌ها از آخرین اخبار و تجربیات و دستاوردهای آن‌ها استفاده می‌شود.

کرونا بسیاری از فعالیت‌های گوناگون کشور را مختل کرده است. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برای تسهیل این مشکل و ارتباط با مراجعان و پژوهشگران چه تمهیداتی فراهم کرده است؟

ما شعاری را انتخاب کردیم با این مضمون: «کتابخانه ملی در خانه هر ایرانی» و برای تحقق این شعار تلاش کردیم که مهم‌ترین تلاش ما دسترس‌پذیر کردن همه مردم به اسناد و منابع کتابی از طریق سامانه رسا و به صورت دیجیتال است. کرونا ما را وادار کرد که تمامی نیرو و انرژی و امکانات خود را به کار ببندیم برای خدمات‌رسانی بهتر به پژوهشگران و دانشجویان از طریق توسعه دیجیتال و راه‌اندازی شبکه‌های مختلف از جمله؛ شبکه کتابخانه‌ها که در حدود ۵۰۰۰ کتابخانه را به یکدیگر متصل کردیم، شبکه اسناد و شبکه نشریات (سنا) از اقدامات دورهٔ کرونا بود، همچنین از طریق برپایی وبینارهای متعدد و ارتباط با کشورهای دیگر به صورت مجازی برای بهره‌مندی از تجربیات دوران کرونا با بسیاری از کشورها این تبادل تجربه انجام شد. هم اکنون کاربران می‌توانند با ایمیل به تالار پژوهش اسناد، اسناد مورد نیاز خود را درخواست دهند و باز از طریق همان ایمیل تصویر اسناد خود را دریافت کنند. علاوه بر این سامانه‌هایی مانند رسا ایجاد شده‌اند که کاربران بتوانند منابع مورد نیاز خود را به شکل غیرحضوری و برخط در همان لحظه از این سامانه‌ها بردارند. توسعه موجودی دیجیتال در قالب سازمان و دسترس‌پذیر کردن اسناد در درگاه سازمان از دیگر کارهای ما در دوران کرونا بوده است.

طریقه‌های شیعی ایران

کتاب «طریقه‌های شیعی ایران» دستاورد سفر مؤلف در سال ۱۹۵۹ میلادی به ایران و نتیجه تحقیقات میدانی او درباره طریقه‌های شیعی ایران است. این اثر که بین سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۸۱ میلادی به چاپ رسیده است، نخستین کار بزرگ مؤلف و در عین حال در نوع خود اثری منحصر به فرد به زبانی اروپایی محسوب می‌شود. پایه تألیف کتاب حاضر به زمان تحصیل مؤلف در ایران برمی‌گردد که مقدر بود با صوفیان و طرز زندگی و اندیشه‌های آن‌ها آشنا شود. از آنجا که او در تألیفات شرق‌شناسان جای اثری درباره درویشگری ایرانی را خالی یافت، بر آن شد در کاری علمی به این موضوع بپردازد. او خود در مقدمه توضیح داده که تا آنجا که توانسته، تمام کوشش خود را کرده تا اطلاعاتی صحیح و موثق در اختیار خوانندگان خود قرار دهد. در این کتاب ردی از اظهارنظر شخصی و جانبداری یا رد همراه با تعصب و غرض دیده نمی‌شود، مؤلف در بخش اصلی کتاب که درباره دنیای اندیشه‌های درویشان و مقایسه آن با افکار و عقاید صوفیان گذشته است، هم به ذکر آرای موافق پرداخته و هم نظرات مخالف را شرح داده و در هر وهله ایرادهای وارد به طرز فکر و نحوه عمل هم صوفیان گذشته و هم پیروان طریقه‌های شیعی کنونی را آورده که خود، گواه بی‌طرفی او به موضوع و علمی بودن اثرش است.

در میان شرق‌شناسان نه تنها آلمانی بلکه اروپایی، جایگاه والای «گراملیش» که از عرفان‌پژوهان بزرگ شمرده می‌شود، انکارناپذیر است. این اثر، خود به تنهایی گویای آن است که او بحق این جایگاه را به خود اختصاص داده است، چه، از دانش بس‌ژرف او در حوزه عرفان اسلامی و تسلط مثال‌زدنی‌اش بر منابع و زبان‌های عربی و فارسی حکایت می‌کند.

اجازه مکتوب با دست لرزان

حسینی‌نژاد

حضور شیخ بهایی در ایران، مقدمه تحولات مهم علمی بوده است. نسخه‌های خطی فراوانی به خط او در کتابخانه‌های کشور موجود است. مجموعه بی‌نظیری شامل ۴ هزار نسخه از آثار شیخ بهایی در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود که وقف‌نامه بسیاری از آن‌ها به دستخط و مهر و امضای شیخ است. بیشتر این آثار که برخی را خود شیخ، شرح و تصحیح کرده، در کتابخانه شخصی او نگهداری می‌شده است که وی شخصا آن‌ها را به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا کرده است و یادداشت وقف با دستخط و مهر و امضای شیخ، در این آثار به چشم می‌خورد.

مدت‌ها پیش به هنگام مطالعه فهرست نسخ خطی کتابخانه فرهنگ و هنر مشهد که از کتابخانه‌های قبل از انقلاب در این شهر است، به نسخه‌ای نفیس از آثار شیخ بهایی برخورد کردم که یکی از شاگردانش کتابت کرده بود. این نسخه شامل کتاب اثنی‌عشریه شیخ بهایی است که هاشم بن احمد بن عصام الدین الاتکانی الخراسانی در سال ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰ هجری قمری کتابت کرده است. این نسخه از جهات مختلفی دارای اهمیت است. یکی از این نکات، اجازه مهم شیخ به کاتب در سال ۱۰۳۰ قمری یعنی چند ماه قبل از وفات شیخ است. کاتب پس از اتمام کتابت نسخه، آن را از نظر شیخ بهایی گذرانده و شیخ نیز در حاشیه صفحات مختلف کتاب، علامت بلاغ را درج کرده است. بلاغ، اصطلاحی مشهور در حوزه نسخ خطی است که استاد برای تأیید اعتبار نسخه و کتابت صحیح، آن نسخه را ملاحظه و در کنار برخی صفحات به نشانه تأیید آن، عبارت «بلغ قبالا» یا عباراتی از این قبیل را درج کرده است. شیخ بهایی در حاشیه یکی از صفحات، اجازه مهمی به شاگرد خود هاشم خراسانی نوشته است. نکته درخور توجه آن است که این اجازه تنها ۳ ماه قبل از وفات او نوشته شده است و لرزش دستان او در حروف آن به وضوح دیده می‌شود.

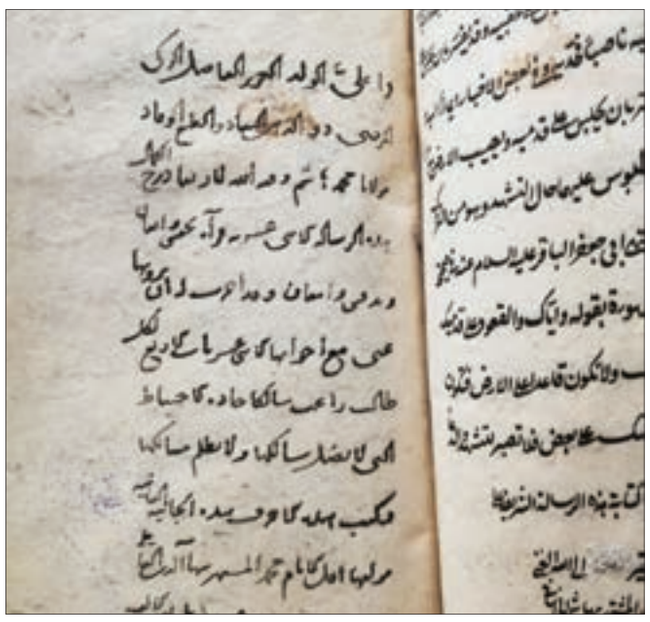

یادداشت

اندر مشکلات پژوهش تاریخی

دکتر حسن انصاری
عضو هیئت‌علمی مدرسه مطالعات تاریخی پرینستون

اینترنت و فضاهای مجازی و قبل از آن رسانه‌های مختلف از آغاز دوران انتشار روزنامه‌ها و جریده‌های اجتماعی و سیاسی تا امروز تغییری اساسی در نظام مرجعیت‌های علمی و اجتماعی ایجاد کرده‌اند. بدین ترتیب واژه‌هایی مانند نوشتن و نویسنده و خواننده و مخاطب معناهای متفاوتی نسبت به دوران قدیم و پیش از تجدد پیدا کرده‌اند. این را همه می‌دانیم. یکی از پیامدهای آن هم این بوده است که دیگر تنها مدرسه و در دوران جدید دانشگاه نیست که مرجع تولید فکر است، بلکه فراخور سطوح مختلف اجتماعی، ما با منابع گوناگون تولید و تغذیه فکری سر و کار داریم. امروزه فضاهای مجازی مکان‌هایی است برای تبادل و بحث و نظر درباره همه مسائل و این خودگاهی ممکن است موجب شود تخصص معنی خود را از دست بدهد یا با تصوری غلط از اهمیتش در میان طبقات کاسته شود.

در غرب با وجود انواع متفاوت امکانات رسانه‌ای و مجازی و امکان تبادل آرا در انواع و سطوح مختلف، دانشگاه تنها نهادی است که اتوریته مطلق علمی خود را همچنان حفظ کرده است. ممکن است درباره هر مسئله‌ای صدها اظهارنظر ریز و درشت و در سطوح مختلف رسانه‌ای و مجازی ابراز شود، اما محک اصلی و معیار علمی بودن همچنان نهاد دانشگاه است. در محیط‌های رسانه‌ای و روزنامه‌ای و حتی روشنفکری ممکن است بحث‌های علمی با اهداف متفاوت سیاسی و انگیزه‌های مختلف حزبی یا ایدئولوژیک به سطح آید، اما در نهایت به دلیل وجود و حضور قوی آنچه من آن را جامعه علمی معیار می‌خوانم، محک درستی برای تشخیص و داوری علمی وجود دارد.

در ایران ما متأسفانه در راستای تقویت جامعه علمی معیار و نهاد مستقل دانشگاه، تلاش زیادی نکرده‌ایم. بسیاری از تولیدات علمی ما خارج از نهاد دانشگاه شکل می‌گیرد و در علوم انسانی مرز میان مباحث رسانه‌ای و روشنفکری با مباحث دانشگاهی و آکادمیک روشن نیست، بنابراین بسیاری از مباحث و از جمله آنچه موضوع توجه ما در این نوشته است یعنی مباحث تاریخی در فضاهای غیردانشگاهی و از جمله رسانه‌ای و با انگیزه‌های تحزب‌های ایدئولوژیک، قومی یا روشنفکری مجال بحث و گفت‌وگو پیدا می‌کند. این امر به خودی خود می‌تواند، امر مبارکی باشد به شرط آنکه اتوریته علمی دانشگاه و اهمیت تخصص علمی را از میان نبرد و آن را تحت شعاع خود قرار ندهد. در بسیاری از مسائل دینی و ملی و قومی این روزها شاهد بحث‌هایی در فضاهای رسانه‌ای و مجازی هستیم که طبقات مختلف و سطوح گوناگون اجتماعی را درگیر خود کرده است. این مسئله پدیده خوب و مبارکی است، اما باید بدانیم در نهایت اتوریته نهاد دانشگاه و جامعه علمی در هر تخصصی لازم است تا به عنوان معیار و محکی برای داوری در این بحث‌ها به آن مراجعه شود. من خود شاهد نمونه‌ای از این مباحث بودم. در پی نقدی که از دکتر طباطبایی منتشر کردم و ناظر به چند نکته و از جمله مسئله انتساب کتاب نصیحة الملوک به غزالی بود، عده‌ای در فیسبوک و رسانه‌های مجازی در این مباحث و به عنوان طرف داری از آقای طباطبایی و آن هم در موضوعی تخصصی اظهارنظر کردند که بعضی از آن‌ها فاقد حداقل ملاک‌های تخصص بود. در حول و حوش بحث‌های اخیر آقای دکتر سروش درباره پدیده وحی هم همین داستان تکرار شد و شاهد آن هستیم که بحث‌های استحسانی رسانه‌ای و روزنامه‌ای گاهی جای بحث‌های دانشگاهی را در نقد نظریه رؤیاهای نبوی گرفته و به نوعی گمانه‌زنی‌های بی‌مورد دامن زده و منتهی شده است. در بحث‌های تاریخی و بحث از هویت‌های ملی و قومی یا ایران پیش از اسلام و سابقه ایرانیان در علوم و فنون هم در فضاهای مجازی شاهد اظهارنظرهایی با انگیزه‌های مختلف هستیم که متأسفانه بسیاری شان پشتوانه علمی ندارند و از آن تأسف‌بارتر اینکه بسیاری در این میان به مرجعیت نهاد دانشگاه و تخصص علمی تن نمی‌دهند. چنین است که در سال‌های اخیر، گاه نویسندگانی بیرون از دانشگاه و به دلایل غیرعلمی توانسته‌اند مرجعیت و پایگاهی اجتماعی برای خود دست و پا کنند که نمره علمی نوشته‌هایشان بسیار پایین است.

دریچه

ادیان و گفت‌وگوهای ساده‌تر

دکتر مهراب صادق‌نیا
عضو هیئت‌علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

از جمله جاهایی که گردشگران در برلین می‌بینند، پارلمانِ آلمان است. ساختمانِ بزرگ و جدّابی که هر روزه، شمارِ زیادی بازدیدکننده دارد. چندی پیش و در فاصله میان نشست‌های دانشگاهی، به آنجا سری زدیم. پس از پایان تشریفات، به محوطه پارلمان وارد شده و به وسیله آسانسور به پشت بام رفتیم. دیدن غروب آفتاب و شهر از آن بالا بسیار چشم‌نواز بود. قدری کمر درد داشتم به همین دلیل، چندتایی عکس گرفته و به انتظار دوستان در گوشه‌ای نشستم. در این فاصله که وقت نماز هم شده بود، به ذهنم رسید حالا که همه مشغولِ تماشای شهر هستند، از فرصت استفاده کرده و نماز مغرب و عشایم را بخوانم. وضو داشتم آن بالا دو نیمکت سنگی بزرگ بود که می‌شد بدون نیاز به مُهر و زیرانداز روی آن‌ها ایستاد و نماز خواند. من و یکی از دوستان نماز مان را شروع کردیم. رکعت دوّم نماز بودیم که دو پلیسِ عصبانی، فریادزنان به سمت ما آمدند، آن قدر داد و بیداد کردند که ناچار شدیم نماز مان را قطع کنیم. من که ترسیده بودم؛ هر چه توضیح می‌دادم ما فقط داشتیم نماز می‌خواندیم، قبول نمی‌کردند و یکی از آن‌ها عصبانی‌تر می‌شد و می‌گفت اینجا یک مکان رسمی و سیاسی است؛ در نهایت دوست آلمانی و مسیحی ما به کمکمان آمد و پلیس عصبانی را کنترل کرد.

وقتی لوکاس، همان دوست مسیحی ما، داشت به زبان آلمانی برای پلیس توضیح می‌داد، احساس خوبی از تحقق عملی گفت‌وگوی ادیان داشتم. در حالی که نظریه‌پردازان و الاهیات‌دان‌ها با همایش‌های پُر ریخت و پاش و ژست‌های آن چنانی، زور می‌زنند تا راه را برای گفت‌وگوی ادیان هموار کنند، لوکاس به دلیلِ آمد و شدش با مسلمان‌ها و احساس دوستی و رفاقتی که با ما داشت، خیلی ساده، بهترین نمونه از واقعیّت گفت‌وگوی ادیان را آشکار کرد. او نماز ما را محترم شمرد و در مقابل پلیس کشورش از آن دفاع کرد، البته بماند که حرف‌های پلیس چندان بی‌راه نبود و بهتر بود که ما چند دقیقه بعد و در فضای عمومی‌تری نماز می‌خواندیم.